

## نقوش هندسی در سوزن دوزی بلوچ

گلناز کشاورز<sup>۱</sup>، مونا عزیز<sup>۲</sup> مهسا منصوری<sup>۳</sup>

۱- دکتری پژوهش هنر، مدرس دانشگاه علم و فرهنگ (نویسنده مسئول)

۲- کارشناس ارشد نقاشی، عضو هیات علمی موسسه آموزش عالی فضیلت سمنان

۳- کارشناس ارشد تصویرسازی، مدرس دانشگاه هنر و معماری پارس

### چکیده

منطقه‌ی بلوچستان از معدود مناطق ایران است که با وجود تغییرات سریع در زندگی مدرن به حفظ پوشش سنتی خود پایبند است. حفظ این البسه هویت متمایز فرهنگی آن‌ها را نسبت به دیگر اقوام ایرانی آشکار می‌سازد. هدف از نگارش این مقاله بررسی ویژگی‌های هندسی سوزن‌دوزی بلوچ است. این نقوش هندسی در میان رودوزی‌های سنتی ایران خاص و منحصر به فرد هستند. بنابراین پژوهش حول محور پاسخ به این سؤال شکل گرفت که چه ویژگی‌های شاخص هندسی می‌توان در زیبایی‌شناسی سوزن‌دوزی بلوچ یافت؟ به عنوان فرضیه و پاسخ به این پرسش می‌توان فرم مثلث را به عنوان اصلی‌ترین ویژگی هندسی این نقوش معرفی کرد. به عبارت دیگر زیبایی‌شناسی هندسی مثلث بر این نقوش حاکم است. با استفاده از روش تحقیق کیفی - توصیفی از نوع تاریخی و جمع‌آوری اطلاعات اسنادی نقوش سوزن‌دوزی بلوچ و ویژگی‌های خاص هندسی آن مورد مطالعه قرار گرفته است. بر اساس یافته‌ها، یکی از اساسی‌ترین ویژگی‌های زیبایی‌شناسانه نقوش سوزن‌دوزی بلوچ در هندسی بودن آن‌ها است. نقوش هندسی غالب نیز عبارتند از مربع یا لوزی و مثلث. لوزی و مربع را نیز می‌توان حاصل به هم پیوستن مثلث‌های کوچکتر دانست. بدین ترتیب می‌توان مطابق فرضیه پژوهش، زیبایی‌شناسی هندسی سوزن‌دوزی بلوچ را بر پایه شکل مثلث دانست.

واژگان کلیدی: زیبایی‌شناسی، هندسه، سوزن‌دوزی، بلوچ.

1- Email: golkeshavarz@gmail.com

2- Email: monaaziz1362@gmail.com

3- Email: mansouri.mahsa@gmail.com



## A survey on recognition of the geometric patterns in Baloch's needlework

Golnaz Keshavarz<sup>1</sup>

Mona Aziz<sup>2</sup>

Mahsa Mansouri<sup>3</sup>

1. Ph.D. in Art Research, University of Science and Culture, Tehran, Iran (Corresponding Author)
2. M. A. in Painting, Fazilat Institute of Higher Education, Semnan, Iran
2. M.A. in Illustration, Pars Institute of Higher Education of Architecture and Art, Tehran, Iran

### Abstract

Baluchistan is one of the few areas in Iran that its people still using traditional costumes and clothes. It happens despite the rapid changes in modern life and globalization. The purpose of this paper is to examine the geometric features of Baloch's needlework. These geometric patterns are unique among traditional Iranian embroideries. The research revolved around the answer to the question that what features of the geometric index can be found in the aesthetics of Baloch's needlework? As a hypothesis and answer to this question, the shape of the triangle can be introduced as the main geometric feature of these patterns. In other words, the geometric aesthetics of the triangle dominates these patterns. This article was written by using the qualitative-descriptive and historical research methods. According to the findings, one of the most basic features of the Baloch's needlework is that they are accomplished as the geometric pattern. The predominant geometric patterns are square, rhombus, and triangle shapes. The rhombus and the square can also be considered as the result of the joining of smaller triangles. Thus, according to the research hypothesis, the geometric foundation of Baloch's needlework are constructed based on the shape of the triangle.

**Keywords:** Aesthetics, Geometry, Needlework, Baloch.

- 
1. Email: golkeshavarz@gmail.com
  2. Email: monaaziz1362@gmail.com
  3. Email: mansouri.mahsa@gmail.com



## مقدمه:

نمونه‌های صنایع دستی منابع خوبی برای شناخت فرهنگ ایران محسوب می‌شود. این امر در شناسایی فرهنگ سرزمین سیستان و بلوچستان نیز صادق است. مردم بلوچ اهتمام خاصی به پوشیدن لباس‌های سنتی خود دارند و سوزن‌دوزی نیز جزء لاینفک آن به خصوص در پوشاک زنانه محسوب می‌شود. شهرت بلوچستان در هنرهای دستی بیشتر به خاطر سبک منحصر به فرد در گل‌دوزی جامه زنان است. سوزن‌دوزی، سوچن‌دوزی یا بلوچی‌دوزی یکی از اصیل‌ترین صنایع دستی کشور است و کمتر زن یا دختری را در بلوچستان می‌توان یافت که با این هنر آشنائی نداشته باشد. این هنر با زندگی زن بلوچ آمیخته است و تنوع بسیاری در نقوش آن مشاهده می‌شود که از تکرار تعداد بی‌شماری نقوش هندسی به وجود می‌آید. سوزن‌دوزی از رایج‌ترین و در عین حال شاخص‌ترین هنرهای متداول در میان زنان بلوچ است که علی‌رغم برخورداری از شهرت فراوان در اغلب پژوهش‌های انجام شده در این عرصه، کمتر به ساختار زیبایی‌شناسانه آن به خصوص از بعد هندسی آن پرداخته شده است. در این سوزن‌دوزی خطوط منحنی و دوار وجود ندارد و تمامی نقوش، حتی انواع حیوانی و گیاهی در کنار حالت به شدن انتزاعی و نمادین خود، با استفاده از خطوط راست و زوایای اغلب تند به وجود آمده‌اند. البته بنابر برخی پژوهش‌ها دلیل هندسی بودن این نقوش و پرهیز از خطوط مدور و دایره در آن، به پیشینه‌ی زندگی عشایری مردمان بلوچ ارتباط دارد همان‌گونه که در نقوش هنرهای دیگر اقوام عشایر و یا دارای پیشینه عشایری نیز می‌توان به تشابهاتی به لحاظ هندسی بودن نقوش دست یافت. البته میزان انتزاع در نقوش سوزن‌دوزی بلوچ بسیار بیشتر از انتزاع در دیگر نقوش هندسی اقوام ایرانی است (کشاورز، جوادی، ۱۳۹۸: ۱۲).

موضوع این مقاله بررسی مبانی هندسی زیبایی‌شناسی سوزن‌دوزی بلوچ است. با هدف پاسخ‌گویی به این پرسش است که چه ویژگی‌های شاخص هندسی می‌توان در زیبایی‌شناسی سوزن‌دوزی بلوچ یافت؟ به عنوان فرضیه و پاسخ به این پرسش می‌توان فرم مثلث را به عنوان اصلی‌ترین ویژگی هندسی این

نقوش معرفی کرد. به عبارت دیگر زیبایی‌شناسی هندسی مثلث بر این نقوش حاکم است و این امر از زوایای تند و گوشه‌های فراوان نقوش هندسی قابل تشخیص است. جهت مطالعه ویژگی‌های هندسی سوزن‌دوزی بلوچ ابتدا لازم است تا مطالعه‌ای بر سوزن‌دوزی بلوچ و ویژگی‌های شاخص آن داشته باشیم. در این بخش سابقه‌ی تاریخی و چگونگی دوخت در این رودوزی مطالعه خواهد شد. پس از مطالعه انواع نقوش در سوزن‌دوزی بلوچ به تحلیل ساختارهای هندسی آن‌ها خواهیم پرداخت.

## پیشینه‌ی پژوهش

در گزارش‌ها، مقالات و کتب بسیاری به مقوله‌ی هنرهای رودوزی ایرانی و از جمله سوزن‌دوزی بلوچ پرداخته شده است. در بسیاری دیگر از منابع شکل ظاهری این هنر با هدف تبیین ویژگی‌های کلی اصول دوخت و نیز نقوش آن مورد بررسی قرار گرفته است. از آن جمله می‌توان به کتاب سوزن‌دوزی بلوچ از زهرا ریگی (۱۳۹۱)، دایره‌المعارف صنایع دستی از سید صدر (۱۳۸۶)، آشنایی با هنرهای سنتی ایران و شناخت صنایع دستی ایران از حسین یآوری (۱۳۸۹) و سوزن‌دوزی بلوچ از صادقی‌دخت (۱۳۸۹) اشاره نمود. اما به لحاظ بررسی دقیق‌تر ساختار نقوش و زیبایی‌شناسی آن می‌توان به مقاله‌ای از سیوش و داریوش مبارکی اشاره کرد با عنوان «بررسی و تحلیل رنگ و فرم در نقوش اصیل سوزن‌دوزی پرکار بلوچستان» (۱۳۹۵) که در نخستین همایش رودوزی‌های استان سیستان و بلوچستان ارائه شده است. مبارکی در این مقاله علاوه بر بررسی رنگ، فرم سوزن‌دوزی‌های بلوچ را به انواعی تقسیم نموده است که علاوه بر انواع حیوانی، انسانی و گیاهی که در آثار دیگر نیز به چشم می‌خورد، تقسیم‌بندی‌هایی چون حاشیه و کناره را نیز شامل می‌شود. در مقاله‌ی «ساختار صوری نقوش طبیعی در سوزن‌دوزی بلوچ با تأکید بر نمونه‌های شهرستان سراوان» (قاسمی و دیگران، ۱۳۹۲) نیز مطالعه‌ی شکل و ساختار نقوش مورد نظر بوده است، اما مسئله اصلی ارتباط بین این نقوش با عناصر طبیعت بوده و کمتر به وجوه هندسی نقوش اشاره شده است.

همچنین در مقاله «انتزاع نمادین در زیبایی‌شناسی هنر بلوچستان، نمونه موردی سوزن‌دوزی بلوچستان» (کشاورز، جواد، ۱۳۹۸)، مهم‌ترین وجه اشتراک نقوش سوزن‌دوزی بلوچ را در هندسی بودن و انتزاع آن دانسته است. بر این اساس قالب هندسی مهم‌ترین عنصر زیبایی‌شناسانه این رودوزی سنتی است. در این مقاله به ریشه‌ها و دلیل هندسی بودن این نقوش نیز اشاره شده است اما تحلیل هندسی مجزایی بر آن صورت نپذیرفته است. در مقاله پیش رو تأکید اصلی بر شناسایی ویژگی‌های خاص هندسی در زیبایی‌شناسی این نقوش است. اینکه زیبایی‌شناسی هندسی حاکم بر این رودوزی سنتی چیست.

### روش تحقیق

با توجه به تحلیلی بودن رویکرد پژوهش در زمینه استخراج ویژگی هندسی زیبایی‌شناسی سوزن‌دوزی بلوچ، رویکرد روش تحقیق کیفی - توصیفی و از نوع تاریخی آن به عنوان روش تحقیق انتخاب شده است. با استفاده از اطلاعات اسنادی و نمونه‌های دسترس نقوش سوزن‌دوزی بلوچ، ویژگی‌های شاخص هندسی آن استخراج شده است. بدین ترتیب نحوه انتخاب نمونه نقوش جهت تحلیل به صورت تصادفی از اینترنت و نیز نمونه‌های شخصی نویسندگان و نمونه‌های مطالعه و عکاسی شده در سفرهای استانی به منطقه گردآوری شده است.

### سوزن‌دوزی بلوچ و ویژگی‌های شاخص آن

بلوچستان در جنوب شرقی ایران و در استان سیستان و بلوچستان واقع شده است. «اصطلاح بلوچستان از زمان نادرشاه در منابع فارسی پیدا شد» (قاسمی و دیگران، ۱۳۹۲: ۶۲). «این مردمان در اصل عشایر و دام پرور بوده و شعبه‌ای از نژاد آریایی محسوب می‌شوند» (افشار سیستانی، ۱۳۶۳: ۱۸۷). همان‌گونه که اشاره شد یکی از مهم‌ترین و قدیمی‌ترین هنرهای این مردمان سوزن‌دوزی است.

سوزن‌دوزی بلوچ که جزء هنرهای رودوزی طبقه‌بندی می‌شود، هنری است که طی آن «نگاره‌های مختلف بر روی

پارچه‌های بدون نقش از طریق دوختن و یا کشیدن قسمتی از نخ‌های تار و پود به‌وجود می‌آید. رودوزی‌های سنتی باید علاوه بر جنبه زیبایی، کاربردی نیز باشند» (یاوری، ۱۳۸۹: ۱۱۱). رودوزی‌های سنتی کلاً به ۶ دسته تقسیم می‌شوند. «بلوچی‌دوزی و یا سوزن‌دوزی بلوچ در این تقسیم‌بندی شش‌گانه جزو انواع پرکار قرار می‌گیرد که در آن‌ها زمینه اصلی مشخص نبوده، دوخت و الوان موجب پیدایش زمینه تازه‌ای پر از نقش و نگار می‌شود» (همان، ۱۳۹۰: ۲۳). «دوخت سوزن‌دوزی بلوچ از نوع ساتن می‌باشد که در آن‌ها قطر سراسر خطوط یکی است و «مجموع محصولات به نسبت نوع دوختی که دارند به سه دسته‌ی پرکار، میان‌کار و کم‌کار تقسیم می‌شوند» (سید صدر، ۱۳۸۶: ۲۲۱).

سوزن‌دوزی این استان فرهنگ مردمانش را در خود جای داده و با وجود تغییرات ایجاد شده به واسطه نفوذ مدرنیسم و شهرنشینی در میان این مردم، همچنان از حضوری قوی در زندگی روزمره آنان برخوردار است. در این هنر ذوق و خلاقیت زنان سوزن‌دوز بصورت طرح‌های سنتی محلی که بیانگر خصوصیات و ویژگی‌های هر منطقه است، نمودار می‌گردد. شاید نتوان سند دقیقی از تاریخچه‌ی هنر سوزن‌دوزی ارائه نمود، اما می‌توان در این راستا به تشابه نقوش آثار مشکوف بر روی سفال‌های مربوط به هزاره پنجم و ششم قبل از میلاد با نقوش هندسی بلوچی دوزی اشاره داشت. بر روی این سفال‌ها اشکالی هندسی مشابه نقوش دست زنان بلوچ دیده می‌شود. همچنین بر اساس شواهد، نقوش سوزن‌دوزی بلوچ قرابت و نزدیکی خاصی با نقوش سنگ نگاره‌های پیش از تاریخ دارد<sup>۱</sup> (تصویر ۱).



تصویر ۱- نقش روی سفال دوره نوسنگی، (مختار معصومی، ۱۳۸۶: ۵۴)

باوجود آن که نقوش هندسی مشابه سوزن‌دوزی بلوچ را می‌توان از دوران پیش از تاریخ در هنرهای چون سفال

مشاهده نمود، اما سابقه رودوزی و تزئین لباس در ایران را بر اساس مستندات تاریخی یافت شده از دوران مادها می‌دانند. در این دوران «لباس مردان و زنان اغلب تزئیناتی از دوخت، مثل قیطان‌دوزی، مليله‌دوزی و قلاب‌دوزی داشته است» (یاوری، ۱۳۹۰: ۱۲). به طور مشخص این هنر در منطقه بلوچستان از صدر اسلام رایج بوده و از دوران مغول وسعت یافته و اوج آن را می‌توان در دوران‌های تیموری و صفوی پیگیری کرد.

این نوع از سوزن‌دوزی در یک منطقه بزرگ جغرافیایی از قدیم مورد استفاده مردم بوده است. مناطقی چون ناحیه سیستان و بلوچستان ایران، بخش‌هایی از خراسان (بخصوص جنوب آن)، بخش‌هایی از استان کرمان و هرمزگان و کشورهای چین، پاکستان، هندوستان، افغانستان و... از جمله نواحی است که مردمان آن‌ها به دلیل برخی تشابهات فرهنگی و ریشه‌های مشترک قومی ملبس به این لباس و تزئینات هستند. اما تنوع بالای رنگ‌های سوزن‌دوزی بلوچی و همچنین استفاده از نقوش تاریخی بر جذابیت سوزن‌دوزی آنها افزوده است. به همین دلیل این نوع از سوزن‌دوزی موفق به دریافت مهر اصالت از سازمان جهانی یونسکو و ثبت در میراث معنوی شده و نشان مرغوبیت ایرانی/بلوچی را از آن خود کرده است.

طرح‌ها و نقوش‌های صنایع دستی ایران را می‌توان در دو گونه شکسته و گردان مورد شناسایی قرار داد و نقوش بلوچی‌دوزی از گونه اول محسوب می‌شود. به اعتقاد ادواردز نوع اول را می‌توان در مناطقی از ایران که سابقه زندگی عشایری داشته‌اند مشاهده کرد. اما نوع دوم به سبب پیچیدگی در مناطق شهرنشین و روستایی قابل مشاهده است. از نظر او قدمت نقوش با خطوط مستقیم از نقوش گردان و منحنی بیشتر است (ادواردز، ۱۹۴۸: ۴۳). «با توجه به اینکه قوم بلوچ نیز در گذشته تاریخی خود زندگی عشایری را تجربه کرده‌است<sup>۱</sup>، مشاهده نقوش هندسی در سوزن‌دوزی‌هایشان امری طبیعی محسوب می‌گردد» (کشاوری، جوادی، ۱۳۹۸: ۱۲).

«به تکه‌های سوزن‌دوزی لباس زنان «زی آستین» و در مناطقی «گوتمان» گفته می‌شود. زی آستین شامل پیش

سینه، جیب، سر آستین و دمپای می‌شود» (صادقی دخت، ۱۳۸۹: ۶۷) (تصویر ۲).



تصویر ۲- تکه‌های سوزن‌دوزی لباس زنان «زی آستین»  
(سایت همراه خاص، ۱۳۹۸، [https://www.google.com/](https://www.google.com/url?sa=i&url=http%3A%2F%2Fhamyarkhas.ir%20))

در سوزن‌دوزی بلوچ پرکار بودن و ظرافت نخ نقش مهمی در ارزش و قیمت آن دارد. همچنین رنگ‌بندی مناسب و هماهنگی نخ‌ها بر ارزش کار می‌افزاید. از مشهورترین و مرغوب‌ترین نمونه‌های سوزن‌دوزی می‌توان به تولیدات مناطق قاسم‌آباد، بمپور و نکوچ ایرانشهر و چانف در شهرستان نیکشهر و آهوران اشاره کرد. در حدود ۵۰ تا ۷۰ نقش مایه در گلدوزی بلوچ وجود دارد که هر یک دارای نامی مخصوص می‌باشد. این اسامی ممکن است در نواحی مختلف کمی متفاوت باشند (رنج دوست، ۱۳۸۷: ۲۴۴). «همچنین مناطق روستانشین ایرندگان، اسپکه، سیب سوران، سراوان، سورمیج، شهریانج را نیز از مهم‌ترین مراکز سوزن‌دوزی بلوچی می‌دانند» (یاوری و دیگران، ۱۳۹۰: ۳۶). نقش و نگارهای سوزن‌دوزی نسل به نسل توسط مادران به دختران انتقال می‌یابد.

در سوزن‌دوزی به بیش از دو نوع ماده اولیه نیازی نیست: نخ و پارچه. یک قرن پیش الیاف ابریشم برای سوزن‌دوزی‌های ظریف به کار برده می‌شد. زنان شخصاً کرم‌های ابریشم را پرورش می‌دادند و الیاف آن را با رنگ‌های گیاهی رنگ می‌کردند. در خلال قرن گذشته الیاف پنبه‌ای جایگزین ابریشم شد. سوزن‌دوزی‌ها امروزه بر حسب امکانات و سلیقه از نخ دمسه، نخ‌های رنگین ابریشم، و حتی از کاموا دوخته می‌شوند. پارچه‌هایی که روی آن سوزن‌دوزی انجام می‌گیرد نازک و ریزباف هستند و باید دو ویژگی عمده برای سهولت دوخت داشته باشند. نخست باید تار و پودی مشخص داشته باشند و

دوم این که این تار و پود باید راست و عمود بر هم باشد. این ویژگی دوخت نقوش هندسی بر آنها تسهیل می‌کند. ابزار کار سوزن‌دوزی شامل سوزن یا سوچه، قیچی یا مقراض، انگشتانه یا شستی است.

اگر سوزن‌دوز از مهارت کافی برخوردار باشد، می‌تواند به صورت ذهنی به سوزن‌دوزی بپردازد. در غیر این صورت با استفاده از نقشه‌های قدیمی که روی کاغذ شطرنجی پیاده شده و یا با استفاده از مهرهای مخصوص این کار، طرح را به روی پارچه انداخته و سپس اقدام به سوزن‌دوزی می‌نماید. از آن جایی که طرح‌های بلوچی هندسی است، فقط کافی است یک چهارم آن با دقت انجام شود، بقیه تکرار و تغییر رنگ است.

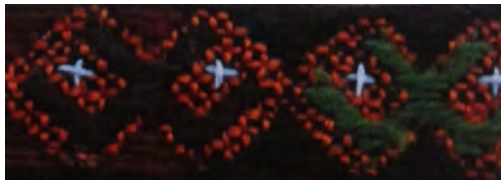
«رنگ‌های سنتی این هنر به شش عدد محدود می‌شود که مهم‌ترین آن رنگ‌های قرمز (جگری تیره و شنگرف روشن یا نارنجی) و سیاه و سفید بودند که با درجات کمتر همراه با سبز و آبی بکار برده می‌شد» (رنج دوست، ۱۳۸۷: ۲۴۴). «برخی دوخت‌ها مانند فنوجی و جوک محدودیتی در استفاده از رنگ و تعداد آن‌ها ندارند. نام رنگ‌ها بنا به گویش و لهجه‌ی برخی مناطق استان متفاوت است. مثلاً ممکن است به رنگ آبی "سبز" و به سبز "شونز" و به سرخ "زرد" گفته شود» (ریگی، ۱۳۹۱: ۱۱). (تصویر ۳).



تصویر ۳- نسبت تقریبی رنگ‌های سنتی در سوزن‌دوزی بلوچ، (نگارنده، ۱۳۸۷)

با توجه به تأثیر زیاد محیط در شکل‌گیری نقوش سوزن‌دوزی بلوچ، می‌توان اختلاف سلیقه در نقش‌ها و طرح‌های آن در مناطق مختلف این استان را نیز بیانگر تفاوت‌های جغرافیایی در آن محدوده دانست. به گونه‌ای که طرح‌ها در مناطق جنوبی بلوچستان دارای نقوش پرکارتر و رنگ‌های شاد و زنده است و مناطق شمالی و شرقی بلوچستان نقوش ساده و رنگ‌های ملایمی دارند (کرباسچی، ۱۳۷۳: ۹۵). به طور مشخص‌تر در

سمت سراوان، ایرانشهر و چابهار، هندسه و رنگ متنوع‌تر و خالص‌تر می‌شود و در سمت خاش و زاهدان که با کوه‌ها مواجه هستیم، مثلث کاربرد بیشتری دارد و سمت دشت نقوش لوزی و... را داریم. این امر تأثیر محیط و اقلیم را بر سوزن‌دوزی بلوچ مشخص می‌کند. هر چه از شمال استان به سمت جنوب حرکت کنیم، با تغییرات اقلیمی و افزایش نخلستان‌ها و بهبود شرایط کشاورزی و آب و هوایی نقش‌ها پرکارتر و رنگ‌ها شادتر می‌شوند. در مناطق شمالی استان که اقلیم نامساعدی حاکم است، رنگ‌ها ملایم و نقوش ساده‌تر و تیره‌تر هستند. با وجود طبیعت نسبتاً سخت غالب در این خطه، این سادگی در طبیعت با عامل بصری مناسب‌تری به غیر از نقوش هندسی و خطوط صاف نمی‌توانسته در آثار سوزن‌دوزی منعکس گردد. نام برخی از نقوش سوزن‌دوزی بلوچ می‌تواند ما را به منشأ بیرونی الهام آن‌ها رهنمون کند. مانند نقوش چم ماهی به معنای چشم ماهی. که در واقع طرح چشم‌هایی است که به دنبال یکدیگر قرار گرفته‌اند (تصویر ۴). البته برخی از این نامگذاری‌ها نیز صرفاً منشاء ذهنی دارند و نمی‌توان ما به ازاء خارجی دقیقی برای آن‌ها در نظر گرفت.



تصویر ۴- نقش چم ماهی، (ریگی، ۱۳۹۱: ۵۴)

### انواع نقوش در سوزن‌دوزی بلوچ

با وجود هندسی بودن نقوش این رودوزی، می‌توان انواعی از نقوش انسانی، حیوانی و گیاهی را در آن تشخیص داد. البته ارتباط این نقوش با منشأ خود بیشتر از طریق نام نقش برقرار می‌شود و در ظاهر آن اغلب کمتر نشانی می‌توان از موضوع نقش یافت. در ادامه این نقوش مورد اشاره قرار گرفته‌اند:

۱- نقوش انسانی: این نقوش به ندرت استفاده می‌شود و کاملاً به شکل انسان نیستند. اما به خاطر برخی از نشانه‌هایی که یادآور انسان یا شئی دیگر است نام آن را اقتباس می‌کنند. مانند نقش تیتوک بانوران که به معنای آرایش عروس است.

بدین ترتیب که مربع مرکزی چشم عروس است و رنگ های به کار رفته در آن نیز حکم آرایش چشمان عروس را دارند (مبارکی، ۱۳۹۵: ۴). (تصویر ۵).



تصویر ۵- نقش تبتوک بانوران، (مبارکی ۱۳۹۵: ۴)

۲- نقوش حیوانی: این نقوش برگرفته از حیواناتی است که در منطقه وجود دارد. یا مانند نقش حیواناتی مثل طاووس که به خاطر زیبایی آن را به کار می‌برند. این نقوش به دو دسته انتزاعی و واقع‌گرایانه تقسیم می‌شوند. نوع انتزاعی شامل ویژگی‌های شاخص حیوانات بومی منطقه است. مانند نقش مرگ پانچ (پای مرغ). (تصویر ۶).



تصویر ۶- نقش مرگ پانچ، (قاسمی و همکاران، ۱۳۹۲: ۶۸)

طائوس، طاووس یا طائونز در زبان بلوچی، در سرزمین بلوچستان وجود نداشته است. با این وجود هنرمند بلوچ با شنیدن زیبایی‌هایی که در این حیوان وجود داشته و قرابت‌های فرهنگی با منطقه هند، به خلق این نقش با کمک قوه تخیل خود دست زده است<sup>۲</sup> (تصویر ۷).



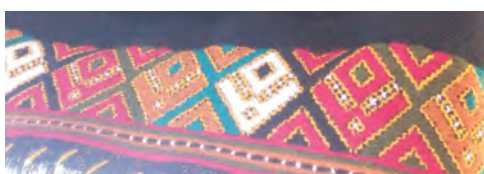
تصویر ۷- نقش طاووس، (مبارکی ۱۳۹۵: ۴)

بخشی از نقوش حیوانی نیز واقع‌گرایانه هستند که البته بیشتر در دست‌بافت‌های عشایری منطقه دیده می‌شدند، اما در سال‌های اخیر به طور محدودی در سوزن‌دوزی‌ها هم بکار می‌روند (تصویر ۸).



تصویر ۸- نمونه‌ای از نقش حیوانی دست‌بافت‌های بلوچ که به نسبت نقوش حیوانی سوزن‌دوزی واقع‌گرایانه‌تر است، (قاسمی و همکاران، ۱۳۹۲: ۶۹)

۳- نقوش گیاهی: سوزن‌دوز بلوچ با کنار هم قراردادن چند مربع، لوزی، مثلث یا مستطیل انواع نگاره‌های گل و گیاه را می‌آفریند (تصویر ۷). (قاسمی و همکاران، ۱۳۹۲: ۶۷). (تصویر ۹).



تصویر ۹- نمونه‌ای از نقوش گیاهی مشابه گل، (آرشیو شخصی گلناز کشاورز)

همانگی حاکم بر نقوش سوزن‌دوزی تا حد زیادی مرهون تناسبات سنجیده میان تعداد بی‌شماری از عناصر هندسی بنیادین مانند مثلث، مربع، لوزی و نظایر آن است. (تصویر ۱۰). این نقش‌ها را می‌توان در دیگر هنرهای سنتی مانند سفالگری، زرگری، سکه‌دوزی و دیگر هنرهای این قوم نیز مشاهده کرد.



تصویر ۱۰- ترکیب نقوش گیاهی و حیوانی، (آرشیو شخصی گلناز کشاورز)

### زیبایی‌شناسی در هنرهای سنتی

دایره‌المعارف بریتانیکا، زیبایی‌شناسی را «علم شناخت زیبایی و هنر» معرفی کرده و سپس آن را از سه دیدگاه قابل بررسی دانسته است: دیدگاه علمی، دیدگاه تاریخی و دیدگاه فنی<sup>۳</sup>. بر طبق آنچه در دایره‌المعارف زیبایی‌شناسی اثر گات و لوییس آمده، ابتدا در یونان باستان به تعریف زیبایی پرداخته شد<sup>۴</sup>. بزرگترین نظریه‌پرداز در شناخت و معرفی زیبایی‌شناسی، افلاطون (۴۲۹-۳۴۷ ق.م) بود. تقسیم زیبایی به محسوس و

معقول از او آغاز می‌شود زیرا افلاطون زیبایی اصیل را در عالم مُثُل پیدا کرد.

اگوست کنت (۱۸۵۷-۷۸۹م) که به تقسیم‌بندی علوم به شیوه جدید اقدام نمود زیبایی‌شناسی را جزء فلسفه قرار داده است (آشی هارا ۱۳۹۱). زیبایی‌شناسی از نظر او شامل مطالعه زیبایی و انواع هنرها است. افرادی نیز هنر و زیبایی را مساوی دانسته‌اند، هربرت رید با انتقاد می‌گوید: «هر آنچه زیباست هنر است، یا هنر کلاً زیباست و هر آنچه زیبا نیست هنر نیست، و زشتی نفی هنر است. این یکی دانستن هنر و زیبایی اساس همه‌ی مشکلات ما را در درک هنر تشکیل می‌دهد» (رید، ۱۳۷۴: ۳). بنابراین نظر زیبایی‌شناسی بر تمامی حوزه‌های زندگی انسان وجود دارد و لزوماً محدود به امر زیبا و یا اثر هنری نخواهد بود. می‌توان حتی ابزارها و محصولات کاربردی انسان را نیز در حوزه امر زیبایی‌شناسی مورد مطالعه قرار داد. مفهوم واژه زیبایی‌شناسی در سال‌های اخیر وسیع‌تر شده است. اکنون این واژه نه تنها در مورد «این تجربه یگانه نه تنها در درک اثر هنری بلکه در درک طبیعت، زندگی روزمره، محیط زندگی و ... نیز اتفاق می‌افتد» (دیویی، ۱۹۵۸: ۵۶). توصیف داوری‌ها یا ارزیابی‌ها، که در مورد ویژگی‌ها، نگرش‌ها، تجربه و لذت یا ارزش نیز به کار می‌گیرند و دیگر آن را به زیبایی صرف محدود نمی‌کنند. قلمرو امر زیبا دیگر از مرز حس التذاذ زیبایی‌شناختی آثار هنری گذشته است.<sup>۵</sup>

بدین ترتیب صنایع‌دستی که انسان سنتی علاوه بر جنبه کاربردی بر زیبایی‌شناسی نیز می‌کوشید، می‌تواند در حوزه زیبایی‌شناسی وارد شود. اما مطالعه زیبایی‌شناسی صنایع‌دستی به دلیل تعلقشان به دنیای سنتی و تفاوت‌هایی که با اثر هنری در گفتمان معاصر دارند، دارای نکات خاصی است. از نظر کانت<sup>۶</sup> (۱۹۸۷) زیبایی حاصل لذت ناشی از تعامل و هماهنگی محسوس تخیل و فهم است. به این ترتیب تجربه لذت و هماهنگی ذهنی در حضور شیء، برای حکم زیبایی‌شناختی صحیح ضروری است. صفت بارز این‌گونه تجربیات زیبایی‌شناختی همانا فعالیت کامل قوای حسی، شناختی و عاطفی در فهم سوژه است (دیویی، ۱۹۵۸: ۵۶). به این ترتیب ویژگی‌های زیبایی‌شناختی به سلیقه بیننده‌ای که آن‌ها را

بر می‌گزیند ارتباط دارد. در هنرهای سنتی آنچه از ترتیب ویژگی‌های بصری چون خط، سطح، بافت، رنگ و غیره از بعد بصری در صنایع‌دستی دیده می‌شود، از آنجایی که در هماهنگی با سنت فرهنگی جامعه مورد نظر شکل گرفته است، تعامل و هماهنگی محسوس تخیل و فهم مخاطب خود را پاسخگوست، امر زیبا اتفاق افتاده است. بنابراین زیبایی صنایع‌دستی سنتی را با وجود آنکه شاید نتوان عنوان هنر بر آن‌ها نهاد، باید بر اساس میزان تناسب با ذهنیت مخاطب سنتی‌اش ارزیابی کرد و اگر هماهنگی بین انتظارات ذهنی مخاطب و عناصر بصری اثر برقرار بود امر زیبا رخ داده است.<sup>۷</sup>

در این پژوهش علاوه بر بررسی زمینه‌های ذهنی زیبایی سوزن‌دوزی بلوچ، زمینه‌های فنی زیبایی آن نیز به لحاظ عناصر بصری و به خصوص زیبایی اشکال هندسی آن مورد توجه بوده است. بحث دامنه‌ی واژه‌ی زیبایی‌شناسی می‌تواند مفاهیم هماهنگی، آرامش، قدرت، ظرافت و زنده را در بر بگیرد. آنچه این مفاهیم را به هم پیوند می‌دهد آن است که زیبایی حاصل، لذت ناشی از تعامل و هماهنگی عین و ذهن باشد. در صورتی که آنچه که از ویژگی‌های عینی در ذهن مورد انتظار است در دنیای واقع نیز برآورده شود، امر زیبا رخ داده است. همان چیزی که مشخصاً در هنرهای سنتی و کارکرد صنایع‌دستی برای مخاطب در دنیای سنتی مورد نظر بوده است.

### تحلیل ساختارهای هندسی نقوش سوزن‌دوزی بلوچ

نقوش طبیعی سوزن‌دوزی بلوچ گستره‌ی موضوعی متنوعی را در بر می‌گیرد که آن‌ها را می‌توان در دو گروه کلی نقوش گیاهی و حیوانی جای داد. در این بین کاربرد نقوش گیاهی در قالب‌های هندسی بیشتر از دیگر انواع است. همان‌گونه که در نمونه‌های نقوش سوزن‌دوزی بلوچ مشاهده نمودید، خطوط صاف، وجود زوایا و ترکیب نقش‌های هندسی به لحاظ نکات عینی زیبایی‌شناسی مشترک بودند. می‌توان بر اساس این مشاهده، نقوش سوزن‌دوزی بلوچ را از نظر گرافیکی در حالت کلی به سه دسته تقسیم نمود. ۱- نقوش بر مبنای طرح مثلث، ۲- نقوش بر مبنای طرح مربع و ۳- نقوش بر مبنای طرح لوزی. تحلیل گرافیکی هر دسته در جداول زیر ارائه شده

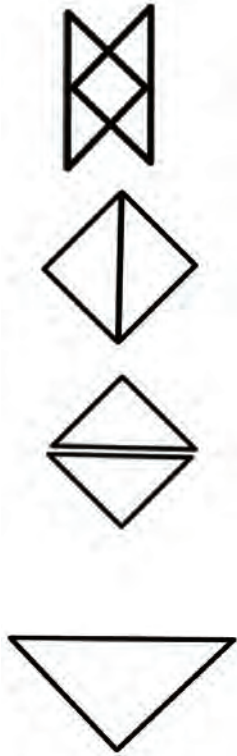



است: (جدول ۱) و (جدول ۲) و (جدول ۳).

اصلی‌ترین شکل هندسی که می‌توان از تجزیه و تحلیل نقوش هندسی بلوچ به آن دست یافت، نقش مثلث است. فرم زیگزاگ و مثلث را در نقوش تمدن‌های اولیه به خصوص بر روی سفال‌ها با مفهوم کوه در ارتباط دانسته‌اند. «کوه در عقیده ملت‌های ابتدایی نگهبان و منبع قوای حیات و خود دارای نیروی تولید و سرچشمه زندگی و مظهر حاصل‌خیزی و فراوانی بوده است»

(پوپ، ۱۳۸۷: ۱۵). این نقل‌قول نظری را که بر اساس آن منشاء نقوش سوزن‌دوزی را آرزوهای قوم بلوچ دانسته‌است می‌تواند توجیه کند. اعتقاد به محفوظ بودن قوای حیات در کوه می‌تواند عامل استفاده فراوان از انتزاع فرم مثلثی کوه در هنر سوزن‌دوزی بلوچ باشد. کوچ‌نشینی این قوم و ارتباط با فرهنگ‌های دور و نزدیک به این سبب می‌توانسته آگاهی آنها نسبت به نمادها و اسطوره‌های اقوام دیگر را افزایش دهد.

جدول ۱- دسته‌بندی گرافیکی در تحلیل هندسی نقوش سوزن‌دوزی بلوچ (مثلث)، (نگارندگان، ۱۳۹۹)



		<p>نمونه نقوش‌های بن گل سپهر، پنج پلنگ، سروک، طاووس</p>	<p>مثلث</p>
--	---	---	-------------

شاید فراوانی این فرم در سوزن‌دوزی بلوچ از آرزوی ناخودآگاه زن سوزن‌دوز در ترسیم دنیایی حاصلخیز و بارور و متفاوت از طبیعت خشن پیرامون خود تاثیر گرفته است.

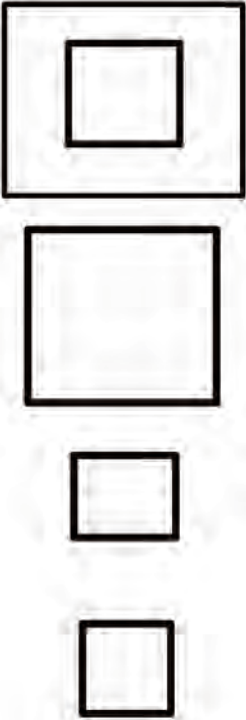
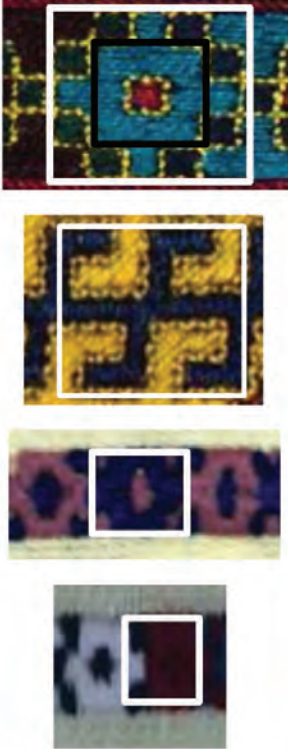
همان‌گونه که در این جدول ملاحظه می‌شود، برخی نقوش بلوچ را می‌توان در قالب شکل کلی نقش مثلث مورد ارزیابی قرار داد. اغلب این لوزی‌ها نیز اضلاعی برابر و زاویه ۹۰ درجه دارند. مانند مربی که ۴۵ درجه چرخیده باشد. همچنین می‌توان این شکل را مانند دو مثلث دید که از قاعده به صورت عمودی بر هم قرار

گرفته‌اند و زاویه راستشان نیز ۹۰ درجه است. نقوش بلوچی‌دوزی با تمام ریزپردازی و جزئیاتش دارای فرم‌هایی است که در قالب شکل کلی مربع می‌گنجند. مانند نقش موسم قریب و بالدار در جدول فوق. حتی نقش زومک را که مشابه صلیب شکسته و یا چلیپا است می‌توان در ترکیب کلی یک مربع محاط نمود. البته از نگاهی دیگر مربع خود می‌تواند به دو مثلث کوچکتر نیز تقسیم شود.

جدول ۲- دسته‌بندی گرافیکی در تحلیل هندسی نقوش سوزن‌دوزی بلوچ (لوزی)، (نگارندگان، ۱۳۹۹)

		<p>نمونه نقوش‌های بن تاس، کبالوک، چپی دوچ، مرچوک، پنج پلنگ، چارچم، چم ماهی، اشک عروس، مرگ پنچ</p>	<p>لوزی</p>
--	--	---	-------------

جدول ۳- دسته‌بندی گرافیکی در تحلیل هندسی نقوش سوزن‌دوزی بلوچ (مربع)، (نگارندگان، ۱۳۹۹)

		<p>تیتوک بانوران، گاومیش یا زومک، موسم بالدار، موسم قرب</p>	<p>مربع</p>
--	---	---	-------------

### نتیجه‌گیری

نقش و نگارهای سوزن‌دوزی بلوچ بن‌مایه‌ی ذهنی داشته و در حین کار قابلیت تغییر دارد. یعنی زن بلوچ می‌تواند نقوش طبیعی انتزاعی شده‌ای را که سینه‌به‌سینه از اجداد خود به ارث برده، بدون مراجعه به الگو و نقشه و به صورت ذهنی بر پارچه پیاده کند. نقوش سوزن‌دوزی نشأت گرفته از ذهن هنرمند بلوچ است، لازم بوده تا دنیایی تجربیدی را در اثر سوزن‌دوزی خود نقش کند. به این ترتیب نقوش هندسی بهترین گزینه برای هنر او محسوب می‌شده است. نقوش هندسی که به خاطر تأثیر شرایط اقلیمی و فرهنگ خاص منطقه در قالب خطوط راست و زاویه‌دار درآمده و کمتر می‌توان در آن نشانی از اشکال مدور و دایره‌های غالب بصری یافت. ویژگی نقوش سوزن‌دوزی این منطقه را می‌توان ذهنی بودن، اقتباس از دیده‌ها، شنیده‌ها و آرزوی افراد، نقش و نگاره‌های عامیانه و نقوش ملهم از طبیعت و مهم‌تر از همه هندسی بودن آن دانست. بدین ترتیب زیبایی این نقوش به دلیل تناسب‌شان

با بسترهای فرهنگی و بومی منطقه (زیبایی عینی در تناسب با زیبایی ذهنی)، در غالب هندسی هويت یافته و به عنوان نمونه‌ای از صنایع‌دستی یکی از اقوام کهن ایرانی می‌تواند به لحاظ زیبایی‌شناسی قابل دفاع و ارزشمند تلقی شود. سمبل‌های عمده بکاررفته در سوزن‌دوزی‌های بلوچ را می‌توان تشکیل‌شده از سه خط مستقیم عمودی، افقی و اریب و بعضاً دواير بسیار کوچک دانست. بنابراین به لحاظ فنی می‌توان فرم‌های هندسی، مربع، دایره و مثلث، یا مشتقات آن همچون لوزی و شکل زیگزاگ و گاه تداخل خطوط افقی و عمودی با یکدیگر را به عنوان ویژگی‌های شکلی زیبایی این سوزن‌دوزی قابل تشخیص است. نقوش سوزن‌دوزی بلوچ استعاره‌ای از مفاهیم فرهنگی، اقلیمی و زیبایی‌شناسی این مردمان هستند که در ناخودآگاه زنان سوزن‌دوز به صورتی هندسی و ذهنی نقش بسته‌اند. به این ترتیب زیبایی ذهنی به خوبی در توافق با زیبایی عینی و اشکال هندسی این سوزن‌دوزی به هم پیوسته است.

تحلیل‌های گرافیکی این نقوش نشان داد که یکی از اساسی‌ترین ویژگی‌های زیبایی‌شناسانه نقوش سوزن‌دوزی بلوچ در هندسی بودن آنها است. نقوش هندسی غالب نیز عبارتند از: مربع یا لوزی و مثلث. لوزی و مربع را نیز می‌توان حاصل به هم پیوستن مثلث‌های کوچک‌تر دانست. بدین ترتیب می‌توان فرضیه‌ی پژوهش را مورد ارزیابی قرار داد و زیبایی‌شناسی هندسی سوزن‌دوزی بلوچ را برپایه شکل مثلث دانست.

#### پی‌نوشت:

۱- مدت بسیار زیادی از یکجانشین شدن قوم بلوچ می‌گذرد. با این وجود و بر اساس مشاهدات نگارندگان، همچنان در بسیاری از خانه‌های روستایی سیاه چادرهای بلوچی برپاست. به همین ترتیب نقوش هندسی مربوط به پیش از یکجانشینی، که یادآور زندگی در سیاه چادرها و در رابطه تنگاتنگ با طبیعت است، همچنان بکار می‌رود.

۲- همچنین «برخی معتقدند که نام این نقش از روایت‌های

دینی یا اسطوره‌ای وارد باور هنرمندان بلوچ شده است» (مبارکی، ۱۳۹۵: ۳).

#### ۳- سیستماتیک

دانشنامه بریتانیکا در سایت [www.britannica.com](http://www.britannica.com) قابل دسترسی است.

۴- در دانشنامه زیبایی‌شناسی اثر بریس گات و دومینیک مک آیور لوییس (۱۳۹۳) از فرهنگستان هنر به صورت مفصل به تبیین مفهوم زیبایی‌شناسی پرداخته شده است.

۵- بر اساس اطلاعات دانشنامه زیبایی‌شناسی اثر بریس گات و دومینیک مک آیور لوییس (۱۳۹۳)

#### 6-Immanuel Kant

۷- همان‌گونه که اشاره شد، می‌توان دو وجه مشخص در زیبایی‌شناسی تشخیص داد. یکی وجه فلسفی و ذهنی آن و دیگری وجه عینی و مرتبط با ادراک. این دو وجه نشان می‌دهد که زیبایی را باید امری ذهنی و اعتباری دانست تا سرشتی. زیرا در موقعیت‌های مختلف و تحلیل‌های ذهنی و فلسفی متفاوت درک ما می‌تواند از زیبایی عینی متفاوت شود.

#### منابع

۱. آشی‌هارا، یوشی‌نوبا. (۱۳۹۱). *زیباشناسی منظر شهر*. مترجم: فرح حبیب. تهران: جاوید نو.
۲. ادواردز، سیسیل. (۱۳۷۰). *قالی ایران*. مترجم: مهین دخت صبا (بزرگمهر). تهران: انجمن دوست داران کتاب.
۳. افشار سیستانی، ایرج. (۱۳۶۳). *نگاهی به سیستان و بلوچستان (سرزمین آزادگان سخت‌کوش)*. تهران: نشرهما.
۴. پوپ، آرتور آپهام. (۱۳۸۷). *شاهکارهای هنر ایران*. مترجم: پرویز ناتل خانلری، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
۵. دیویی، جان. (۱۳۹۱). *زیبایی‌شناسی زندگی روزمره*. مترجم: نادر شایگان فر، تهران: هرمس.
۶. رنج دوست، شبنم. (۱۳۸۷). *تاریخ لباس ایران*. تهران: موسسه انتشاراتی جمال هنر.
۷. رید، هربرت. (۱۳۷۴). *معنی هنر*. مترجم: نجف دریابندری، تهران: علمی و فرهنگی.
۸. ریگی، زهرا. (۱۳۹۱). *سوزن‌دوزی بلوچ*. تهران: انتشارات کریم کاپوایی.
۹. سید صدر، سید ابوالقاسم. (۱۳۸۶). *دایره‌المعارف هنرهای صنایع‌دستی و حرف مربوط به آن*. تهران: انتشارات سیمای دانش.
۱۰. صادقی‌دخت، صدیقه. (۱۳۸۹). *سوزن‌دوزی بلوچ*. مشهد: انتشارات نگارستان هنر.
۱۱. قاسمی، مرضیه. خاتون محمودی، سکینه. موسوی حاجی، سیدرسول. (۱۳۹۲). «*ساختارصوری نقوش طبیعی در سوزن‌دوزی زنان بلوچ (با تأکید بر نمونه‌های شهرستان سراوان)*»، فصلنامه علمی نگره، (۲۷)، صص ۶۰-۷۴.
۱۲. کرباسچی، مسعود. (۱۳۷۳). *بررسی امکانات توسعه صنایع دستی در استان سیستان و بلوچستان*. پایان‌نامه کارشناسی. تهران: دانشگاه هنر.
۱۳. کشاورز، گلناز. جوادی، شهره. (۱۳۹۸). «*انتزاع نمادین در زیبایی‌شناسی هنر بلوچستان*»، نمونه‌موردی: سوزن‌دوزی بلوچ، نشریه

علمی باغ نظر، ۱۶(۷۹)، صص ۵-۱۴.

۱۴. گات، بريس. (۱۳۹۳). *دانشنامه زیبایی شناسی*. مترجم: منوچهر صانعی دره‌بیدی، امیرعلی نجفیان و ...، تهران: انتشارات فرهنگستان هنر.

۱۵. مبارکی، سیاوش. مبارکی، داریوش. (۱۳۹۵). «بررسی و تحلیل رنگ و فرم در نقوش اصیل سوزن دوزی پرکار بلوچستان». نخستین همایش رودوزی‌های استان سیستان و بلوچستان، صص ۱-۹.

۱۶. مختار معصومی، بیتا. (۱۳۸۶). *نقش دیروز، گرافیک امروز*. تهران: سازمان چاپ و انتشارات.

۱۷. یآوری، حسین و منصور، آنیتا و سلطانی، شریفه. (۱۳۹۰). *آشنایی با هنرهای سنتی ایران (۳)*. تهران: انتشارات آذر.

۱۸. یآوری، حسین. (۱۳۸۹). *شناخت صنایع دستی ایران*. تهران: انتشارات مهکامه.